

۵۰ قدم آخر



فیلم‌نامه: حبیب احمدزاده
کارگردان: کیومرث پوراحمد
سال ساخت: ۱۳۹۲

۵۰ قدم آخر فیلمی ایرانی به کارگردانی کیومرث پوراحمد و محصول سال ۱۳۹۲ است. فیلمنامه این فیلم توسط پوراحمد با مشاوره حبیب احمدزاده به نگارش در آمده است. این فیلم سینمایی سرگذشت واقعی یکی از نیروهای اطلاعات لشکر زرهی نجف اشرف در عملیات والفجر ۴ را نمایش می‌دهد که برای شناسایی به یک منطقه مین‌گذاری شده در خاک عراق می‌رود...

اتوبوس شب



فیلم‌نامه: حبیب احمدزاده
کارگردان: کیومرث پوراحمد
سال ساخت: ۱۳۸۵

اتوبوس شب فیلمی ایرانی به کارگردانی کیومرث پوراحمد محصول سال ۱۳۸۵ است. این فیلم به صورت سیاه و سفید منتشر شد. او که این فیلم را بر اساس داستانهای شهر جنگی اثر حبیب احمدزاده ساخته، در این باره گفته است: وقتی این کتاب را مطالعه کردم، داستان نوجوانی که چهل اسیر را از آبادان به ماهشهر می‌برد، به قدری گیرا و جذاب بود که مرا به دنبال خود کشاند و گفت مرا بساز. این فیلم به تهیه‌کنندگی مهدی همایونفر در مرکز سینما فیلم تولید شد.

گفتگو با سایه



فیلم‌نامه: حبیب احمدزاده
کارگردان: خسرو سینایی
سال ساخت: ۱۳۸۴

مستند «گفتگو با سایه» درباره زندگی و اندیشه‌های «صادق هدایت» است. او نویسنده آشنای ایرانی است. تحلیلی بر آثارش که مهمترین آن‌ها «بوف کور» است را به نمایش می‌گذارد. خسرو سینایی کارگردان این مستند معتقد بود که باید یاد بگیریم بدون بت‌سازی و بت‌شکنی نابه‌جا شخصیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مان معرفی کنیم.

فرانسوی مؤلف رمان «آدولف» که شاهکار تحلیل روانشناختی است، می‌گوید: «هنر رمان جدید این است که بتواند فلسفه، حکایت و رؤیا را به صورت یک قطعه موسیقی واحد باهم جوش دهد» و حبیب احمدزاده این موفقیت را نه تنها در رمان «شطرنج با ماشین قیامت» که در مستندهایش هم به خوبی کسب کرده است. مستندهایی که با سال‌ها تحقیق و پژوهش همراه بوده و نشان از ذکاوت و پیگیری مداوم او دارد و برای همین تلاش مستمر دو فیلم او توانسته موفقیت‌های قابل توجهی را برای تهیه‌کنندگان آنها به دست آورند.

احمدزاده نه تنها در مکتوباتش، که در فیلم‌ها و پژوهش‌هایش نیز از زاویه‌ای متفاوت به موضوعات مورد نظرش می‌پردازد و آن‌ها را با مخاطب به اشتراک می‌گذارد، به همین دلیل نگاه تازه و مجزایی که او به جنگ دارد، او را می‌توان نه تنها از پیشگامان این نوع ادبیات در داستان، که در سینمای جنگ نیز معرفی کرد، نگاهی که هم در فیلم‌های مستندی که خود کارگردانی کرده و هم در فیلم‌های داستانی چون «اتوبوس شب» کیومرث پوراحمد و «آژانس شیشه‌ای» ابراهیم حاتم‌ی که در نقش فیلم‌نامه‌نویس یا مشاور فیلم‌نامه حضور داشته است، می‌توان مشاهده کرد.

تا قبل از چاپ و انتشار کتاب «شطرنج با ماشین قیامت» قسمت بیشتر رمان‌های جنگی که با موضوع جنگ ایران و عراق نوشته می‌شدند، به مضامین عقیدتی و سیاسی همسان پرداخته و بنابر مصالح اجتماعی، در جهت ترویج گفتمانی بودند؛ اما با چاپ رمان «شطرنج با ماشین قیامت» حبیب احمدزاده تا حدودی از آثار تک‌گویی فاصله گرفته و زبانی متفاوت وارد ادبیات جنگ ایران شد. تا قبل از این کتاب و نگاه، نویسندگان در پی آشکارکردن بیشتر نقش معنویات در جنگ و در میان رزمندگان بودند، اما در این کتاب، احمدزاده از زاویه‌ای نو و با واردکردن جسمانیات به زندگی قهرمان و همچنین استفاده از گفتار کوچه‌بازاری، موجب نگرش‌ها و سبک‌های زبانی داستان شد و مخاطبان را بیشتر به عمق جنگ در زندگی‌ها برد.

هنر حبیب

حبیب احمدزاده با موسیقی «شطرنج با ماشین قیامت» در کوچه‌های آبادان قدم می‌زند و دچار شک و تردید می‌شود، با «دریاقلی» «بهترین مجسمه دنیا» از پله شک به پله یقین می‌رسد و از یک زندگی جسمانی معمولی و ساده به یکباره در میان دنیایی متفاوت قرار گرفته و رویدادها و پرسش‌های فلسفی در داستان‌ها و رمان‌ها و فعالیت‌های سینمایی‌اش، در جست‌وجوی حقیقت و کشف ناشناخته‌هایی از دنیای ذهنی آدم‌ها است. حقیقتی که راه‌گشای زندگی‌ها است و این همان دنیای هنر متعالی و متعددی است که او توانسته وارد ادبیات جنگ کند. کسی که نه برای چاپ‌های متعدد کتاب‌ها و جایزه‌های مختلف خارجی و داخلی برای داستان‌هایش، که بیشتر و بیشتر برای همین نگرش متفاوت، نقش بی‌بدیل و مؤثری در ادبیات جنگ دارد.

حبیب احمدزاده اهل جنوب است و هنوز خاک و غبار جنگ از رخسار نتکانده است، دلش با دریا نسبتی معنادار دارد و هنگامی که کنارش می‌نشینم میان صدای گلوله و خمپاره، صدای زنگواره جنوب و هلهله زنان را بلندتر به گوش می‌رساند. سرباز صلح امروز که یادگار جماعتی شوریده‌دل و مخلص‌ی است که شرف تاریخ جنگ‌اند و چه اندوه‌گریبی که از آن شیرمردان بیدل، مگر تعداد اندکی باقی نمانده‌اند.

«داستان‌های دفاع مقدس» می‌نامند، قهرمانان و حوادث و محیط پیرامونی آنان به نوعی با ارزش‌ها و عقایدشان عجین و نزدیک است؛ کشتن و کشته‌شدن در راه عقیده و آرمان‌ها است. جان و مال برای قهرمان داستان در صورتی بالارزش است که در راه عقاید و ارزش‌هایی که شخص به آنها معتقد است استفاده شود و او را به آنچه دین آن را «تعالی» می‌نامد نزدیک کند و خواننده، قهرمان یا اطرافیان قهرمان داستان را که در طول قصه کشته می‌شوند، در ضمیر خود «شهید» می‌داند و بالتبع «عند ربهم برزقون».

حبیب احمدزاده اما نویسنده‌ای است که از طرفداران جدی نوع اول است. داستان‌هایی که در آنها جنگ بستری است برای خلق داستان و احمدزاده در این بستر آماده، انسان را با ماهیت حقیقی خود به مخاطب معرفی می‌کند. چیزی که در کتاب «داستان‌های شهر جنگی» آش نیز مشهود است و ناشی از نگاه انسانی-اجتماعی اوست: «من از روز اول فارغ از دعوای ایران و عراق به موضوع نگاه می‌کردم و اصلاً قصد نداشتم بگویم عراق بد بود و ایران خوب. به این مسأله تنها به عنوان یک مقطع از حرکت آدمی نگریسته‌ام؛ به طوری که حتی سعی کرده‌ام از واژه عراق هم کمتر استفاده کنم. خیلی از داستان‌های جنگ طوری هستند که الان باید آنها را سوزاند؛ چون باعث به وجود آمدن کینه بین دو ملت می‌شود؛ درحالی‌که «شطرنج با ماشین قیامت» و «داستان‌های شهر جنگی» اینطور نیستند و من این را مدیون مطالعه‌ای می‌دانم که پیش از جنگ داشته‌ام و نیز بر خورد با آدم‌های بزرگی که در جنگ با آنها آشنا شدم. چیز بیشتری نباید از این داستان‌ها توقع داشت.»

سینمای حبیب

وجه دیگر و مهم حبیب احمدزاده فیلمسازی و فیلم‌نامه‌نویسی اوست. مردی با اصالتی بوشهری و متولد آبادان که جنگ را لمس کرده و در کتاب‌ها و فیلم‌نامه‌هایش، سعی کرده آن را به تصویر قلم بکشاند. کسی که آطور که می‌گوید، نه نویسنده است و نه فیلمساز؛ شاید بهترین وصف درباره او همان گفته خودش باشد که در آن مدعی شده سعی می‌کند حس مثبتی را که به زندگی دارد از زاویه جنگ و در قالب داستان به مخاطب ارائه کند، حس مثبتی که ناشی از سبک و سیاق و نگاه جدید او به جنگ است.

جنگ حادثه‌ای است که پیش از خاک، انسان و انسانیت حاضران در خود را به چالش می‌کشد و احمدزاده به دنبال نشان دادن این موضوع به مخاطبان‌هاست. او انسان عجیبی است؛ همانطور که داستان‌هایش داستان‌های عادی و طبیعی جنگ به شمار نمی‌رود، قهرمان داستان‌هایش نیز برخلاف قهرمان سایر رمان‌های جنگی، عادی به شمار نمی‌روند.

«دریاقلی» قهرمان یکی از داستان‌هایش است که در مستندی با عنوان «بهترین مجسمه دنیا» آن را به تصویر کشیده و از زاویه متفاوت به حصر آبادان پرداخته است. مستندی در قالب طنز که قهرمانش نه آنچنان علیه‌السلام است نه آنچنان که پایش به شهادت باز نشود، مستندی جذاب که به زندگی «دریاقلی سوزانی» شهیدی می‌پردازد که با رکاب‌زنی توانست مانع حصر و تسخیر آبادان شود. این مستند سیمیرغ بلورین و بی‌زده هیات داوران بخش مستند جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، دیپلم افتخار جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت و جایزه سوم بخش مستند جشنواره ملی فیلم دفاع مقدس را دریافت کرد. کنستان بنجامین نویسنده و سیاستمدار



احمدزاده نه تنها در مکتوباتش، که در فیلم‌ها و پژوهش‌هایش نیز از زاویه‌ای متفاوت به موضوعات مورد نظرش می‌پردازد و آن‌ها را با مخاطب به اشتراک می‌گذارد، به همین دلیل نگاه تازه و مجزایی که او به جنگ دارد، او را می‌توان نه تنها از پیشگامان این نوع ادبیات در داستان، که در سینمای جنگ نیز معرفی کرد. نگاهی که هم در فیلم‌های مستندی که خود کارگردانی کرده و هم در فیلم‌های داستانی چون «اتوبوس شب» کیومرث پوراحمد و «آژانس شیشه‌ای» ابراهیم حاتم‌ی که در نقش فیلم‌نامه‌نویس یا مشاور فیلم‌نامه حضور داشته است، می‌توان مشاهده کرد